

جلوه‌های مهمان‌نوازی در فرهنگ مردم فهلیان*

شکراله طباطبایی^۱

در آموزه‌های مکتب فرهنگ‌ساز اسلام مهمان از شأن و مقام والایی برخوردارست، اکرام و نواخت مهمان از مکارم اخلاق^۲ و نشانه‌های ایمان به خدا و روز واپسین است،^۳ در این مکتب، خانه‌ای محمل ورود فرشتگان عرش الهی است که مهمان به آن وارد شود و خانه‌ای که مهمانی به خود نبیند نکوهش شده است.^۴

علاوه بر اکرام و احترام مهمان، نسبت به اطعام او نیز سفارش بسیار شده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: خیر و برکت به خانه‌ای که در آن اطعام می‌شود، سریع‌تر از سرعت فرورفتن تیغ در کوهان شتر، می‌رسد. (میزان‌الحکمه، ج: ۷، ۳۲۷۳)

* این گزارش توسط الهه شایسته‌رخ تنظیم شده است.

۱. وی متولد سال ۱۳۱۲ (هجری شمسی) و اهل فهلیان نورآباد ممسنی در استان فارس و از فرهنگیاران دیرینه واحد فرهنگ مردم می‌باشد که در سال ۱۳۴۵ پس از شنیدن برنامه رادیویی فرهنگ مردم با مرحوم انجوی شیرازی آشنا شد و از آن پس با سخت‌کوشی فراوان که متأثر از پیشه او «کشاورزی» بود به گردآوری فرهنگ مردم فهلیان همت گمارد. بدین ترتیب بخش اعظمی از گزارش‌های موجود مربوط به فهلیان در گنجینه واحد فرهنگ مردم، حاصل زحمات شکراله طباطبایی است.

۲. الامام الصادق علیه السلام: المَکَارِمُ عَشْرَةٌ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ فِيكَ فَلْتَكُنْ... و إِقْرَاءُ الضَّيْفِ. (میزان‌الحکمه، ج: ۷، ۳۲۷۲)

۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمِ ضَيْفَهُ (همان)

۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: كُلُّ بَيْتٍ لَا يَدْخُلُ فِيهِ الضَّيْفُ لَا تَدْخُلُهُ الْمَلَائِكَةُ. (همان)

تلفیق و عجین شدن آموزه‌های دینی با زندگی مادی و معنوی ایرانیان را در آیین‌ها و آداب و سنن مردمان این سرزمین به وفور و وضوح می‌توان مشاهده کرد. احترام و اکرام مهمان در آداب و سنن متعدد و متنوع ایرانی از آن جمله است. نوشتار حاضر به معرفی جلوه‌های متنوع مهمان‌نوازی در فرهنگ مردم فهلیان نورآباد ممسنی اختصاص دارد.

رد پای مهمانی و نواخت مهمان در فرهنگ مردم فهلیان مؤید آن است که این سنت پسندیده جایگاه ویژه و مهمی در زندگی مردمان این دیار دارد. مهمان، نماد برکت و افزونی نعمت و مهمان‌نوازی نشانه سخاوت است. مردمان فهلیان، مردمانی هستند که از بخل پرهیز داشته و به اعتدال و سخاوت پذیرای حبيب خدايند. بازتاب این نمادها و نشانه‌ها در آداب، سنن و ادبیات شفاهی مردم فهلیان نشان از تأثیرپذیری عمیق فرهنگ مردم فهلیان از این سنت و رسم پسندیده دارد.

اکرام مهمان در فرهنگ مردم فهلیان

مردم فهلیان مهمان را هدیه خداوند می‌دانند، از این رو با اشتیاق و شادمانی وافر حضور مهمان را در منزل خود ارج می‌نهند و هیچگاه با ورود او حتی آن هنگام که ناخوانده وارد می‌شود ابرو در هم نمی‌کشند بلکه زن و مرد خانه با احترام از مهمان پذیرایی می‌کنند. حتی اگر مهمان زمانی به منزل میزبان وارد شود که مرد خانه حضور نداشته باشد، همسرش بلافاصله او را خبر می‌کند تا در اسرع وقت خود را به منزل و نزد مهمان برساند و اگر مرد خانه در سفر باشد باز هم اعضای خانواده به بهترین شیوه از مهمان خود پذیرایی می‌کنند. بدین ترتیب که خانم خانه یکی دو نفر از مردان اقوام خود را بلافاصله به منزل فرامی‌خواند و نزد مهمان می‌نشانند تا هم از وی به شایستگی پذیرایی شود و هم مهمان احساس غربت و زحمت نداشته باشد.

مهمان‌نوازی از خصایل نیک مردمان فهلیان به شمار می‌رود، بدین ترتیب شخصی که در

خانه‌اش همیشه بر روی مهمان باز باشد به شخصی با خرج و مهمان دوست شهره می‌گردد. مردم فهلیان بر این باورند که خداوند بیش از آنکه مهمان برسد خرج و روزیش را می‌فرستد و آنچه برای مهمان هزینه شود به هیچ وجه از درآمد آن خانواده کم نمی‌شود بلکه روزی و درآمد خانه‌ای که پیوسته مهمان دارد، روزافزون است. تأکید بر این باور تا بدانجاست که خانه‌ای را که مهمان به آن وارد نشود مورد غضب خداوند می‌دانند.

در این باره چنین مثال می‌زنند: «استاد بنایی که در حال ساخت ساختمانی است کارگری در کنار خود دارد که مصالح را به دست او می‌دهد و استاد هر چه کارگر به دستش می‌دهد به کار می‌برد تا ساختمان تکمیل شود اما اگر استاد، مصالح را از کارگر بگیرد و در دست نگه دارد و به کار نبرد هیچ گاه آن ساختمان تکمیل نمی‌شود. خرج مهمان نیز همچون مصالح است که تا صرف مهمان نشود تداوم نمی‌یابد، استاد هر خانه‌ای (سرپرست خانواده) هر آنچه برای مهمان خرج کند خداوند به واسطه ملائکه خود و از راه غیب برای اهل آن خانه روزی و آبرو عنایت می‌کند و شیوه معشیت ایشان را بهبود می‌بخشد. هر چه قدر استاد بنا سریع‌تر مصالح را بگیرد و سریع‌تر به کار برد بر کارگر هم واجب است بر سرعت عمل خود بیفزاید، از این رو سرپرست هر خانه‌ای که پیوسته به توفیق میزبانی نائل شود و مداوم مهمان را اکرام و اطعام کند روزی‌اش نیز پیوسته و مداوم خواهد بود.»

اکرام و احترام به مهمان تا بدانجاست که اگر بین دو نفر کدورت یا حتی دشمنی‌ای وجود داشته باشد یا یکی به دیگری مبلغی پول بدهکار باشد و به منزل وی به مهمانی برود میزبان فارغ از یادآوری خاطره آن کدورت و ناراحتی یا میزان طلب خود به نحو احسن به او احترام گذارده و پذیرایی می‌کند. همچنین تا زمانی که شخصی به عنوان مهمان در منزل شخص دیگری باشد حرمت او نه فقط بر همه اهل خانه بلکه بر دیگرانی که به آن سرای وارد می‌شوند نیز واجب است از این رو اگر کسی با دیگری کدورت و خصومتی داشته باشد و به منزل دوست یا همسایه یا فامیل خود وارد شود و شخص مورد خصومت را ببیند و بخواهد از

سر نزع و دعوا با او برخورد کند صاحب خانه به پشتیبانی از مهمان خود حاضر است از جان خود هم بگذرد چرا که حرمت مهمان نباید شکسته شود. صاحب خانه‌ای که دلخوری‌ها و کدورت‌ها از مهمان را مورد توجه قرار دهد و به نزع با او بپردازد، جایگاه خود را در بین اهالی آن دیار از دست می‌دهد. چنین شخصی در میان مردم «غربتی» نامیده می‌شود. اکرام مهمان فقط به آشنایان و نزدیکان محدود نمی‌شود بلکه اگر غریبی هم به این دیار وارد شود از مهمان‌نوازی مردمان آن بهره‌مند می‌گردد.

انواع مهمانی

مهمانی یا همان جشن کوچک خانوادگی براساس اینکه زمان آن از سوی صاحب خانه تعیین شده یا نشده دو گونه است: مهمانی‌های دعوتی و مهمانی‌های سرزده و بدون دعوت. گرچه امروزه با توجه به وضعیت زندگی و مشغله‌های کاری مهمانی‌های بدون دعوت از رونق افتاده‌اند اما در گذشته این نوع مهمانی‌ها جلوه بیشتری داشته است. در این نوشتار بر آداب و سنن مردم فهلیان در گذشته‌ای نه چندان دور اشاره شده است.

الف) مهمانی‌های دعوتی

در دیار فهلیان مهمانی‌هایی که میزبان، زمان آن را از قبل تعیین و به اطلاع مدعوین می‌رساند منوط به مجالسی چون اعیاد، عروسی و سوگواری می‌شد. همچنین زائرنانی که از سفر زیارتی بازمی‌گشتند پس از بازگشت، روز معینی را به اطلاع همسایگان، دوستان و آشنایان می‌رساندند تا به بهانه ولیمه سفر، ساعاتی را با هم سپری کنند. از سوی دیگر گاه در میان مردمان فهلیان افرادی بودند که به علت تحصیل، اشتغال به کار یا خدمت نظام (سربازی) در شهرهای دور به سر می‌بردند، هنگام بازگشت، از طرف دوستان و اقوام مهمانی‌هایی ترتیب داده می‌شد. گاهی نیز دو همکار یکدیگر را به منزل خود دعوت می‌کردند مثلاً دو کشاورزی که در یک زمین زراعی با مشارکت هم کشاورزی می‌کردند یکدیگر را به خانه و کاشانه خود دعوت و پذیرایی می‌کردند.

ب) مهمانی‌های بدون دعوت

در فهلیان اغلب مهمانی‌ها بدون دعوت قبلی بود. بدین ترتیب هر کس هر زمانی که تمایل داشت به منزل همسایه یا خویشان خود می‌رفت و میزبان نیز در تکریم مهمان خود از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد، برای او تفاوت چندانی نداشت که مهمان را خود، دعوت کرده بود یا وی ناخوانده به منزلش وارد شده بود. در این مهمانی‌ها، اغلب، تمایل مهمان، زمان و مکان مهمانی را مشخص می‌کرد و برای میزبان همین تمایل، نمایانگر علاقه و ارتباط صمیمی مهمان نسبت به وی بود.

برای مهمان‌دار همین بس که خانه او مأمن و مسکنی است که محل نزول رحمت الهی است و مهمان که نزد او حبیب خداست سبب نزول این رحمت واسعه است و چنانچه این رحمت بدون خبر بر میزبان نازل می‌شد به مثابه بارانی بود که بارش آن، طراوت، تازگی و شادابی را به منزل او ارمغان می‌برد. چنین مهمانی شکر زایدالوصف میزبان فهلیانی را به همراه داشت چرا که آن را از فضل بی حساب خداوند می‌دانست که به هرکس که بخواهد عطا می‌کند و مهمان‌دار (میزبان) که خود را از آن گروه می‌دید شاکر خداوند بود.

اطعام مهمان

در همه جشن‌ها و آیین‌ها، در جامعه‌های ابتدایی یا متمدن، خوردن و آشامیدن بخشی از مشغولیت‌ها و سرگرمی‌های جمع را تشکیل می‌دهد. (روح‌الامینی، ۱۳۸۷: ۹۴-۹۳)

مهمانی‌ها نیز به عنوان یک جشن خانوادگی، در بعدی کوچک‌تر از ابعاد جشن‌های بزرگ دینی و ملی، از این قاعده مستثنی نیستند. تلاش میزبان آن است که از مهمان خود به بهترین شیوه پذیرایی و وی را اکرام کند، گرچه اکرام مهمان تنها منوط به اطعام او نیست و خلق خوش و حسن معاشرت میزبان اندک پذیرایی را، که البته فراخور وسع اوست نه کوتاهی در پذیرایی، چنان در نظر مهمان خوشایند و گوارا می‌کند که هر دو طرف (میزبان و مهمان) لذت

این صمیمیت و ارتباط دوستانه را در اذهان خود به یادگار خواهند داشت. اطعام مهمان در میان مردم فهلیان با توجه به نوع مهمانی (دعوتی یا بدون دعوت) متفاوت است، این تفاوت در گذشته چشمگیرتر بوده است.



الف) شیوه اطعام در مهمانی‌های دعوتی

مردم فهلیان برای پذیرایی در مهمانی‌هایی که از قبل مدعوین و زمان آن را مشخص کرده بودند تلاش می‌کردند به نسبت میزان آمادگی و توانایی اقتصادی خویش از مهمانان خود به بهترین نحو پذیرایی کنند. از این رو مواد غذایی یا غذاهایی در این مهمانی‌ها طبخ می‌شد که به علت پرهزینه بودن یا در دسترس نبودن، در طول سال به ندرت تهیه می‌شدند. برنج از جمله این مواد بود. میزبانان فهلیانی سفره اطعام خود را با پلو می‌آراستند تا در کنار یکی از این غذاها، گوشت قورمه، مرغ تپانده (شکم پر)، مرغ مسما و گوشت یخنی خوراک لذیذی را برای مهمانان خود فراهم کرده باشند. همچنین در فصلی که استفاده از لبنیات مانند کره و ماست امکان‌پذیر بود سفره‌های رنگین‌تر و پربرتری را مهیا می‌کردند.

در نوع دیگری از این مهمانی‌ها که خصوصی‌تر بود و به اقوام بسیار نزدیک محدود می‌شد نوع غذا را علاوه بر میزبان، مهمان نیز تعیین می‌کرد، مثلاً، برادری که به منزل برادر خود می‌رفت، از همسر برادرش می‌خواست که فلان غذا را که وی دوست داشت، تهیه کند. گاه نیز هر یک از اقوامی که در همسایگی هم بودند غذای نوبرانه‌ای می‌پختند و از اقوام همسایه خود نیز دعوت می‌کردند تا غذا را با آنها صرف کنند. مردم فهلیان تا آنجا به این رسم مقید بودند که حتی اگر بعضی نمی‌توانستند دعوت میزبان را اجابت کنند صاحب‌خانه حتماً مقداری از آن غذا را برایشان می‌فرستاد. در این میان اقوام و همسایگانی که وضعیت اقتصادی خوبی نداشتند در اولویت بودند.

ب) شیوه اطعام در مهمانی‌های بدون دعوت

پذیرایی از مهمانی که سرزده و بدون دعوت قبلی به هنگام نهار یا شام وارد می‌شد به ظاهر اندکی دشوار بود اما برای مردمان فهلیان که مهمان‌نوازی از صفات نیکشان و از امتیازات ویژه خانواده‌های با خرج و روزی به شمار می‌رفت، مرارتی نبود. در این گونه مهمانی‌ها، خود مهمان با استناد به ضرب‌المثل «مهمان، هر کس؛ صاحب‌خانه، هر چیز» میزبان را خطاب قرار داده، او را از اینکه زحمتی مضاعف متحمل شود و غذای دیگری مهیا کند بر حذر می‌داشت. از نظر مهمان، آن کس که دیر موقع (بدون تعیین وقت قبلی) به مهمانی می‌رفت خرج و خوراکش با خودش بود، از این رو بر سر سفره میزبان حاضر می‌شد و از همان غذایی تناول می‌کرد که میزبان برای خود و خانواده‌اش تهیه دیده بود؛ هر چند این غذا، ساده و اندک می‌بود. گرچه میزبان نیز کوتاهی نمی‌کرد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن هرچه از خوراک و نوشیدنی آماده داشت اعم از نان، ماست، سبزی، دوغ و سایر ملزومات در سفره می‌گذاشت تا در آن ضیق وقت به نحو احسن پذیرایی کرده باشد. در صورتی که مقدار غذا اندک بود به گونه‌ای که مهمان متوجه نمی‌شد خود را سرگرم غذا خوردن نشان می‌داد تا مهمانش ملاحظه او را در سر نداشته، گرسنه از سفره غذا کنار نرود.

شیوه پذیرایی

میزبان با کمال افتخار خود را چون خدمتکاری می‌دانست که باید اسباب آسایش مهمان خویش را که حبیب خداست فراهم کند. از جمله اقدامات اولیه پس از استقبال از او در ابتدای ورود و جفت کردن کفش وی به نشان احترام آن بود که به هنگام نشستن یکی دو بالش پشت وی قرار می‌داد تا به آنها تکیه دهد و راحت بنشیند. همچنین از دیگر وظایف میزبان آن بود که قبل از صرف غذا، با ظرف آبی در دست و حوله‌ای در دست دیگر در مقابل مهمان قرار می‌گرفت تا وی دستان خود را بشوید و سپس مشغول غذا خوردن شود. پس از آن معمولاً فرزند خانواده و گاهی نیز خود میزبان با ظرف آبی در دست در کنار سینی‌های غذا می‌ایستاد تا هر یک از مهمانان که آب طلب کردند بلافاصله به ایشان بدهد، این شخص را «آب ده» نیز می‌نامیدند. پس از صرف غذا نیز به همان ترتیب پیشین میزبان با ظرف آبی در دست و حوله‌ای بر دست دیگر، مهمان را برای شستن دست‌هایش یاری می‌رساند.

بازتاب مهمان‌نوازی در ادبیات شفاهی مردم فهلیان

در مثل‌ها، باورها، سوگندها و دعا‌های مردم دیار فهلیان، ردپای سنت پسندیده مهمان‌نوازی را می‌توان مشاهده کرد که در این نوشتار به اختصار بدان‌ها پرداخته می‌شود.

مثل

چنانچه پیش از این ذکر شد اطعام مهمان، بخشی از مراسم مهمانی را به خود اختصاص می‌دهد. خوشایندی این بخش از مهمانی تا بدانجاست که با بیانی مطایبه‌آمیز به مهمان توصیه می‌شود که «به مهمانی که می‌روی بهره به دست (کفگیر) را دشمن خود نکن.» بدین معنا که اگر غذا و پذیرایی خوب می‌خواهی تا بدانجا که می‌توانی به زن صاحبخانه احترام بگذار چرا که او بهره به دست است و کسی که خاطر وی را مکدر نکند از دست‌پخت او بهره‌مند می‌شود.

همچنین برای بیان آنکه حد مهمانی را به اعتدال باید نگاه داشت تا میزبان بیش از اندازه به زحمت نیفتد چنین می‌گویند:

مهمان، شب اول طلاست، شب دوم، نقره است؛ شب سوم، مس است اما شب چهارم، «فس» (fes به معنی هیچ) است.

سوگند و دعا

حرمت نان و نمک که علی‌الاطلاق به اطعام مهمانی گفته می‌شود تا بدانجاست که هرگاه برای امری مهم بخواهند سوگند یاد کنند به نان و نمکی که با هم خورده‌اند استناد کرده و سوگند می‌خورند.

آرزوها و خواسته‌های قلبی آدمیان نیز در قالب دعا جلوه‌گر می‌شود، دعا در واقع درخواست حاجت از خداست. (فرهنگ معین: ذیل واژه دعا) یکی از حاجات و آرزوهای مردمان فهلیان که ردپای ارج و منزلت مهمان در آن آشکار و هویداست آن است که «خدایا تو روزی و دارایی به ما مرحمت فرما که در روی مهمان خجالت نکشیم.»

باورهای عامیانه

انتظار برای ورود مهمان به منزل اهالی دیار فهلیان چندان طولانی نیست و دیری نمی‌پاید که دق‌الباب مهمان، ایشان را به استقبال از وی فرامی‌خواند. علاقه به حضور مهمان تا آنجاست که هر یک از اعضای خانواده به بهانه‌های مختلف خواسته قبلی خود را که همان ورود مهمان است بیان می‌کند، گرچه این بهانه‌ها گاه دور از واقع به نظر می‌رسد اما ورای آنها نکات جالب توجهی وجود دارد که بنیان برخی باورها محسوب می‌شوند. از جمله این باورها آن است که اگر هنگام طبخ نان تکه‌ای از چونه خمیر به طرف زن صاحبخانه پیرد وی با شادمانی و پیشاپیش آمدن مهمان به خانه‌اش را به اطرافیان خود خبر می‌دهد. این باور خوشایند با حدس و گمان‌های اطرافیان درباره اینکه مهمان، چه کسی خواهد بود همراه می‌شود. بدین ترتیب چشمان اهل خانه به در دوخته می‌شود تا محقق شود مهمان از راه رسیده با گمان کدام یک

منطبق بوده است. هیجان این حدس و گمان‌ها با راهنمایی زن صاحبخانه مضاعف می‌شود زیرا اگر تکه خمیر به او برخورد کند مهمان از نزدیکان و عزیزان خانواده است و اگر به فاصله دورتری از او پرتاب شود مهمان از راه دور می‌رسد.

آنچه در ورای این باور ساده نهفته است، به اندکی تأمل در مواد تشکیل‌دهنده نان نیاز دارد؛ گندم، نمک و آب که هر یک، باورهای خاصی را به ذهن متبادر می‌کنند. از جمله آنکه گندم، نماد برکت و افزونی نعمت است و آب مایه روشنایی است و نمک، حرمت خاصی در بین مردم دارد؛ از این رو ترکیب این سه ماده برکت‌افزای روشنی‌بخش قابل احترام نشان از حضور مهمان دارد که هدیه خداست و موجب افزونی نعمت و روشنایی‌بخش دیدگان میزبان و خانواده‌اش و از این رو شایسته تکریم و احترام فراوان می‌باشد.

در این باره باور دیگری نیز در میان مردم این دیار وجود دارد، هرگاه شخصی به منزل دیگری مهمان شود و اطعام گردد دینی بر عهده خود می‌داند که آن ادای احترام و رفتار صادقانه با میزبان است. این باور گواه آن است که یکی از ثمرات این گونه معاشرت‌ها (مهمانی دادن و مهمانی رفتن) ایجاد صمیمیت و رفع کدورت‌ها و دشمنی‌هاست.

منابع

۱. روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۷) آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز، تهران: آگاه.
۲. معین، محمد (۱۳۶۳) فرهنگ معین، ج ۶، تهران: امیرکبیر.
۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴) میزان الحکمه، ج ۷، چ ۵، قم: دارالحدیث.

